

## تکالیف کلاس گویندگی و فن بیان

. دوره مقدماتی .

من دلم را که می تپد با تو،  
گرچه گمراه، دوست می دارم  
با تو معدود خنده هایم را،  
گرچه کوتاه، دوست می دارم

چشم خود را که دیده بود تو را،  
دست خود را که چیده بود تو را  
پای خود را که مدتی شده بود،  
با تو همراه دوست می دارم

هر کسی را که دارد از تو نشان،  
همه را فارغ از زمان و مکان  
مثل عکس جوانیت که در آن،  
شده ای ماه دوست می دارم

غصه را در پی رمیدن تو،  
گریه را از پی ندیدن تو  
لحظه ای را که بعد دیدن تو،  
می کشم آه ... دوست می دارم

یادم آمد غزل که می گفتم،  
دوست می داشتی و می خواندی  
از همین است شعرهایم را،  
گاه و بی گاه دوست می دارم

تو عیار محبتم شده ای،  
دوستت دوست، دشمنت دشمن  
هرکسی را که دوستت دارد،  
ناخودآگاه دوست می دارم...